

بناهای دوره ی احمدشاه در تهران

۲۰ اسفند ۱۳۹۳ ساعت ۱۳:۴۸

جایگاه و مرتبه معماری قاجار در تاریخ معماری گذشته ایران می تواند محل بحث و تامل باشد، چرا که اگر آثار معماری را از زاویه خلاقیت های ایجاد شده مورد توجه قرار دهیم، ارزش پیدا می کند و در جایگاه برتر و تکامل یافته تری نسبت به معماری های دوره های قبل از خود چون زندیه و صفویه قرار می گیرد.

از اواخر دوره صفویه تا اواسط سلطنت ناصرالدین شاه به علت آشفتگی های موجود و جنگ های پی در پی و عدم ثبات و فقدان امنیت، هنرهای معماری و تزئینات ساختمانی ایران که در دوران صفویه وسعت و تنوع زیاد پیدا کرده بود طی این دوره نابسامانی ملی به انحطاط گرائید و فقط در دوره کوتاه کریم خان زند ارگ کریم خان و برخی بناهای منفرد همچون مجموعه بناهای وکیل در شیراز برپا می گردد که البته هیچگاه این بناها نتوانستند تاثیر خود را به گستردگی تاثیر بناهای دوران صفوی بر سراسر پهنه سرزمینی ایران به ثبت برسانند. با این حال در دوره ی قاجاریه شیوه ی جدیدی در معماری ایجاد شد که باز هم بر پایه سبک اصفهان اما در ادامه آن بوده است که می توان آن را سبک تهران نام نهاد و این امر از دوره ناصرالدین شاه به طرز چشمگیری آغاز و تا دوره احمد شاه قاجار ادامه یافت، چنانکه مسعود نوریبخش می نویسد از ابنیه ی عمومی دوره ی احمدشاه در تهران بناهای زیر قابل ذکر است:

خانه ی قوام السلطنه

خانه ی قوام السلطنه واقع در خیابان سی تیر (قوام السلطنه سابق) یکی از زیباترین ابنیه ی دوره ی قاجار است که در سال ۱۳۳۰ ه.ق. / ۱۲۹۱ ش. توسط مرحوم استاد علی محمد معمارباشی در تهران طراحی و ساخته شده است. مرحوم قهرمان میرزا سالور در شرح خاطرات ماه شعبان ۱۳۳۰ درباره ی این عمارت می نویسد:

از قرار تقریر مقتدر نظام [قوام السلطنه] پشت مدرسه ی آمریکایی ها عمارتی می سازد که صد هزار تومان متجاوز خرج آن می شود و در تهران نظیر آن عمارت را احدی ندارد. مداخل و منافع کلی در ایام وزارت خود برده حالا مشغول خرج کردن است.

دکتر پرویز رجبی در معرفی این عمارت که در حال حاضر به محل موزه ی آبگینه و سفالینه های ایران اختصاص یافته است چنین می نویسد:

خانه ی قوام السلطنه یکی از بهترین نمونه های معماری ایران است. در بنای تمام اجزاء و عناصر تشکیل دهنده ی این خانه نظام جدید معماری برون گرا هماهنگ است. در این بنا ضمن توجه به اصول و فنون معماری غرب، تقریباً همه ی عناصر ایرانی و ضوابط اصیل معماری بومی در نظر گرفته شده است، اما با ساخت و پرداختی مترقی و برداشتی نو و متناسب با شیوه های جدید زندگی. در اینجا فقط اندرون و بیرون در هم آمیخته اند و با آمیزش درون با بیرون طبعاً چون نفوذ و تأثیر بیرون بیشتر از درون است، گرایش به بیرون معماری جدید برون گرا را ناشی شده است.

این بنا تا سال ۱۳۳۰ ش. محل سکونت مرحوم قوام السلطنه بود. در فاصله سال های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۹ ساختمان در اختیار سفارت مصر بود و در این دوره تعمیراتی نیز در بنا انجام شد. در سال ۱۳۳۹ سفارت مصر این عمارت را به بانک بازرگانی واگذار کرد. در سال ۱۳۵۵ وزارت فرهنگ و هنر این ساختمان را خریداری و با تعمیرات و تغییراتی به موزه ی آبگینه و سفالینه های ایران تبدیل کرد.

بیمارستان زنان و کودکان (امیراعلم)

این بیمارستان که در خیابان سعدی شمالی واقع شده است در سال ۱۳۳۵ ه.ق. / ۱۲۹۵ ش. توسط دکتر امیرخان ملقب به امیراعلم فرزند میرزا علی اکبرخان معتمدالوزاره تأسیس شد. ابتدا مریضخانه ی نسوان نامیده می شد. بر سردر بیمارستان آیات: «هَوَالْدَى يَطْعَمْنِي وَ يَسْقِينِ وَ اِذَا مَرَضْتُ فَهَوَ يَشْفِينِ» و در ادامه آن اشعار زیر سروده ی ادیب الممالک نصب گردیده بود:

در عهد شه زمانه احمد شاهمی که به عدل داستان است

عهدی که به مستد معارف ممتازالملک را مکان است

با واسطه ی امیر اعلم کز کردارش هنر عیان است

پرداخته شد چنین بنایی کاسایش ملتی در آن است

اطفال و زنان ملک ما را زین کاخ شفا به رایگان است

تاریخ اساس و نام نامیش «بیمارستان بانوان است»

در سال ۱۳۲۲ ش. بخش و درمانگاه بیماری های زنان این بیمارستان به ساختمان بیمارستان زنان مقابل پیچ شمیران منتقل شد

و به جای آن بخش های گوش و حلق و بینی و چشم پزشکی و اطفال و دندانپزشکی در آن محل دایر گردید.

در سال ۱۳۲۳ ش. به تصویب شورای دانشگاه و به پاس خدمات دکتر امیراعلم بیمارستان نسوان به نام وی نامگذاری و بیمارستان امیراعلم نامیده شد.

در سال ۱۳۲۸ ش. ساختمان قدیمی این بیمارستان بر اثر آتش سوزی ویران شد و ساختمان جدیدی متناسب با احتیاجات روز به جای آن ساخته شد.

لازم به ذکر است امیراعلم در سال ۱۳۳۲ ه.ق. / ۱۲۹۲ ش. بیمارستان دیگری نیز به نام نظامیه احمدیه در میدان توپخانه در محل قورخانه ی کهنه تأسیس کرد که دارای پنجاه تختخواب و دو درمانگاه و آزمایشگاه و داروخانه بود و به نظامیان اختصاص داشت و بعدها تعطیل شد.

سردر باغ ملی

پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ چون عملیات تمیزی و مشقی سپاهیان در خارج شهر تهران و در سربازخانه های متعدد انجام می گردید، میدان مشق عملاً بلااستفاده افتاده و به صورت ناخوشایندی درآمده بود. در سال ۱۳۰۱ ش. بلدیة تهران این میدان را به پارک باصفایی تبدیل کرد که باغ ملی نام گرفت. به دستور رضاخان، در مقابل عمارت وزارت جنگ سردر مجللی بنا کردند که به منظور حفظ یکی از سنت های باستانی ایران آن را جایگاه نقاره خانه قرار دادند. با آنکه این سنت باستانی متروک شد و باغ ملی نیز جای خود را به چندین دستگاه ساختمان دولتی داد، اما عمارت زیبای سردر باغ ملی همچنان پابرجاست.

این بنا کار استاد جعفرخان معمار کاشانی است. سفت کاری هایش توسط استاد اسماعیلی، ستون ها را استاد کریم منیژه، و کاشی های آن نیز توسط مرحوم استاد خاک نگار مقدم ساخته شده است.

بر بالای اطاق روی سردر باغ ملی که دارای سه پنجره رو به جنوب و شیروانی زیبایی است به طرف خیابان این عبارات به صورت کتیبه ی کاشیکاری به چشم می خورد:

قال الله تعالی عزوجل ولایة علی بن ابیطالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی.

علاوه بر کتیبه ی فوق سردر دارای نقوش کاشیکاری های دیگری نیز با نقش دو شیر که تاجی را در میان گرفته اند، پلنگ، شیر و خورشید و مسلسل دیده می شود.

سازمان میراث فرهنگی استان تهران با مشارکت شهرداری با آزادسازی و مرمت دروازه ها، سنگفرش کف محوطه سردر را با ایجاد اختلاف سطح با خیابان به صورت اولیه احیاء نموده است. این بنای زیبای تاریخی به شماره ی ۱۹۶۸ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

پارک فرمانفرما

محل ی فرمانیه کنونی در شمیران که در شمال رستم آباد واقع شده در گذشته بخشی از کامرانیه را تشکیل می داده است. مرحوم مهندس عبدالرزاق خان بغایری در نقشه ی تهران و اطراف که در سال ۱۳۲۸ ه.ق. / ۱۲۸۹ ش. تهیه کرده است از این محل نام نبرده و این امر می رساند که این بخش هنوز به تملک شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما درنیامده بود. به طوری که نوشته اند مرحوم فرمانفرما بخشی از این محل را از باجناق خود محمد ولی خان آصف السلطنه همسر عشرت السلطنه دختر مظفرالدین شاه و بخش عمده ی آن را نیز از جان محمدخان داماد کامران میرزا خریداری و پارک بزرگ و زیبای فرمانیه را ایجاد کرد. در محدوده ی این پارک چند بنای زیبای قدیمی قرار داشت. در حدود سال ۱۳۳۵ ه.ق. / ۱۲۹۵ ش. مرحوم فرمانفرما این پارک را به فیروزمیرزا نصرت الدوله فرزند ارشد خود بخشید.

پارک فرمانیه مدت ها اقامتگاه نصرت الدوله بود. به گفته ی مرحوم مهندس منوچهر صانعی، پدر ایشان استاد علی محمدخان معمارباشی عمارت بسیار قشنگی در این باغ ساخت که هنوز باقی است.

پس از آنکه اوضاع مالی نصرت الدوله به علت بدهی های زیاد وخیم شد به ناچار قسمت هایی از این پارک را تفکیک و به فروش رسانید. بالاخره آخرین بخش این باغ را هم که اقامتگاه وی بود، نخست به سفارت فرانسه اجاره داد و بعد در آخرین سال حیات خود به سفارت ایتالیا فروخت و آن ها نیز این محل را جهت اقامتگاه تابستانی خود اختصاص دادند. مهندس کامران صفامنش در معرفی این باغ و عمارت های موجود در آن چنین نوشته است:

این باغ که در اصل از وضع کنونی آن وسیع تر بوده از نوع دیگر باغ ایرانی است به این معنی که براساس یک محور اساسی آب روان و حوض های کوچک و بزرگ و ردیف درختان در امتداد محور شکل گرفته است و ساختمان اصلی یا بیرونی که روزگاری به صورت یک حوض خانه ی هشت ضلعی سنتی ایرانی بوده است بر تارک این محور جا دارد که همه ی آن ها در مجموع با عناصر دیگر، در یک همخوانی منظره بدیعی از یک باغ ایرانی را فراهم ساخته اند.

در میان این حوضخانه هشت ضلعی که طاق گنبدی شکل دارد، تویزه های تزیینی و گچبری شده چشم را به فراز گنبد راهنمایی می کنند جایی که نورگیری هشت ضلعی نور خورشید را به درون می کشد و بر حوض زیرین و پنجره های اوریسی سه طرف که به اطاق های شاه نشین جانبی باز می شود می پراکند.

در فضای این حوضخانه که براساس الگویی متعلق به اوایل دوره ی قاجاریه و قبل از آن ساخته شده کاشی هایی از دوره ی ناصری وجود دارد که به طور یقین از ساختمان دیگری به این محل آورده شده اند و تعدادی از آن ها کارهای قابل توجهی می باشند که براساس موضوعات برگرفته از ادبیات اساطیر قدیم ایران ساخته شده اند. موضوعاتی نظیر داستان های افسانه ای شاهنامه ی فردوسی چون گذشتن سیاوش از آتش و جنگ رستم با دیو سفید و داستان هایی نظیر شیخ صنعان از منطق الطیر عطار و بهرام و گل اندام بر پایه ی مثال کار نیکو کردن از پر کردن است از خمسه ی نظامی که به صورت کاشی برجسته ساخته و پرداخته شده و داستان خسرو و شیرین و بزم شیرین از نظامی و کاشی نقش برجسته مجلس معروف پذیرایی شاه طهماسب صفوی از همایون پادشاه هند در قزوین و بالآخره کاشی های گوناگون دیگر از جمله کاشی که خود کاشیکار را با شاگرد و نمونه کارش نشان می دهد از کاشی های موجود در این ساختمان می باشند.

منابع:

۱- سالور، قهرمان میرزا، روزنامه خاطرات عین السلطنه، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

۲- رجبی، پرویز، معماری در ایران عصر پهلوی، تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۵.

۳- بلاغی، عبدالحجه، تاریخ تهران، تهران: بی نا، ۱۳۵۰.

۴- حکمت، علی اصغر، سی خاطره، تهران: وحید، ۱۳۵۵.

* نوریخس، مسعود، تهران به روایت تاریخ، ج ۴، تهران: علم، ۱۳۸۱.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۹۷۸۳/تهران-احمدشاه-پ-دوره-بناها-۲۹۷۸۳>